

# روز کارگر (اول ماه مه) توسط بورژوازی تسخیر شده است زنده باد انقلاب کمونیستی!



صحنه ای از تظاهرات اول ماه مه در سال ۱۹۱۷ در پتروگراد

## صدای انترناسیونالیستی

E-mail: [internationalist.voice@gmail.com](mailto:internationalist.voice@gmail.com)

Homepage: [www.internationalist.tk](http://www.internationalist.tk)

سالهاست که در سرتاسر دنیای سرمایه داری، روز کارگر (اول ماه مه) با حضور وسیع نیروهای رنگارنگ جناح های سرمایه بر گزار میگردد. سالهاست که جناح های مختلف طبقه حاکم به همراه گروه های چپ سرمایه، پرچم دروغین دفاع از منافع پرولتاریا را بدست میگیرند تا چهره بربریت سرمایه را آرایش دهند. آنها در زیر پوشش شعارهای رادیکال و "پرچم سرخ" سعی می کنند تا وضعیت برده داری مدرن سرمایه را بپوشانند. آنها در این نمایشات رقت انگیز تلاش کرده اند، تا خط بطلانی بر تاریخ واقعی این روز بکشند. آنان در این نمایشات هر ساله خیابانی، عامدانه به تحریف ریشه های سیاسی طبقاتی بوجود آمدن این روز اقدام می ورزند.

در کشورهای متروپل، رهبران اتحادیه های کارگری یا سوسیال دموکرات ها در خط مقدم تظاهرات اول ماه مه (روز کارگر) به خواندن سرود انترناسیونال خواهند پرداخت و در عین حال ضد کارگری ترین قوانین را به تصویب خواهند رساند. چپ دستگاه سیاسی سرمایه همچنان مثل سابق سعی در به انحراف کشاندن مبارزه طبقه کارگر خواهد کرد.

در کشورهای پیرامونی، چپ سرمایه کلام رادیکال خواهد شد و با شعار حق اعتصاب، حق ایجاد تشکل کارگری و غیره، خیابانها را تسخیر خواهد کرد. واقعیت این است که با توسعه مبارزه طبقاتی اتحادیه ها اولین سنگر و استحکاماتی هستند که پرولتاریا مجبور به تسخیر آنها خواهد شد. مقاومت قهرمانانه کارگران تکل علیه اتحادیه ها و دولت این مسئله را ثابت کرد. مبارزه مستقل کارگران تکل است که توسط اتحادیه های کارگری رهبری نمی شد یک منبع الهام بخش برای دیگر کارگران در جهان است. به همین خاطر شیخ چنین مبارزه طبقاتی است که بورژوازی بیش از هر چیز از آن وحشت دارد.

پس از شکست موج انقلابی بین سالهای ۱۹۲۳-۱۹۱۷ که دنیا را تکان داد، استالینسم بر ویرانه های انقلاب اکتبر و بر روی استخوانهای کمونیستهای بخون تپیده شده، خود را تحکیم بخشید. هزاران نفر از کمونیستها و کارگران تبعید، زندانی و قتل عام شدند، کسانی که انقلاب اکتبر را خلق کرده بودند، همه کسانی که نیروهای زنده انقلاب بودند، پیشقراول پرولتاریای جهانی. در نتیجه آن بورژوازی توانست پیشقراول پرولتاریا را بشکل فیزیکی حذف کند. این حمله، پرولتاریا را از پیشقراول آن خلع سلاح کرد و به بورژوازی این امکان را داد تا طبقه کارگر را به کشتار وحشتناک جنگ جهانی دوم بسیج کند.

زمانی روز کارگر، روز نبرد پرولتاریا برای انقلاب کمونیستی بود. زمانی به اهتزاز درآمدن پرچم سرخ لرزه بر اندام طبقه بورژوا می انداخت. متأسفانه با شکست موج انقلاب، روز کارگر توسط بورژوازی تسخیر شد. و بورژوازی از این تاریخ به بعد از روز کارگر به عنوان ابزاری در جهت منافع خود، در مسموم کردن آگاهی طبقاتی پرولتاریا استفاده می کند. دوره تاریک ضد انقلاب آغاز شده بود و این نشانه آن بود که پرولتاریا موقتاً شکست خورده بود. در دهه ۳۰ میلادی، تنها فراکسیون چپ کمونیست ایتالیا بود که قادر به دفاع از مواضع پرولتری و کمونیستی علیه انحطاط انترناسیونال سوم بود.

پس از جنگ جهانی دوم بورژوازی معتقد بود که پرولتاریا را برای همیشه مغلوب ساخته است. سرمست و کوراز پیروزی های خود و رفاه بعد از جنگ، که بر کشتار میلیونی از کارگران در جنگ جهانی دوم استوار بود، بورژوازی فنا ناپذیر بودن خود را اعلام کرد.

درست در چنین زمانی بود که میلیون ها نفر از کارگران اقدامات اعتراضی خود را در ماه مه ۱۹۶۸ در سطح بین المللی اما به خصوص در فرانسه آغاز کردند. بورژوازی سعی به تأویل اعتصاب عمومی ماه مه ۱۹۶۸ به عنوان "شورش دانشجویان" می کند، با این حال قدرت واقعی که بورژوازی را به چالش کشید، طبقه کارگر بود نه دانشجویان.

این موج از مبارزه ی طبقاتی ثابت کرد که طبقه کارگر از ناتوانی های دوره ضد انقلاب بازگشته و به دوره ی جدیدی از رویارویی طبقاتی که در حال رشد است، وارد شده است. نتیجه آن توسعه مبارزه طبقاتی در سراسر جهان در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی بود. پرولتاریا هیچ چاره ای جز جنگیدن برای منافع طبقاتی خود و ادامه نبرد خود، رو به جلو نداشت.

طبقه کارگر نشان داد که دوباره به عنوان یک تهدید واقعی برای نظام سرمایه داری وارد میدان شده است. این روشن ترین و واضح ترین نشانه برای پایان بخشیدن به گیج سازی بود که طبقه کارگر را ناپدید شده یا خریداری شده اعلام میکرد، یا اینکه اظهار میداشت پرولتاریا دیگر اصلا وجود ندارد.

مارکسیسم بعنوان متدولوژی و تئوری پرولتاریا زنده است و آن برای انقلابیون ممکن ساخته است تا اسیر درکهای سترونی مانند مدرنیستها یا شورآگراها نشوند که طبقه کارگر را بعنوان یک طبقه بورژوائی ارزیابی می کنند. "حرف برسر این نیست که این یا آن پرولتاریا، یا حتی کل پرولتاریا در حال حاضر چه چیزی را به مثابه هدف خود تلقی می کند. مسئله بر سر این است پرولتاریا چیست، و بر وفق این هستی، از لحاظ تاریخی مجبور به انجام چه کاری هست." iii

بلوک شرق (استالینیزم) قادر به رقابت با بلوک غرب نبود و به دلیل بحران های درونی خود از هم پاشید. این واقعیت که استالینیزم توسط طبقه کارگر به زیر کشیده نشد بلکه در رقابت با دموکراسی از هم پاشید، هم توهمات دموکراتیک را در طبقه کارگر دامن زده است و هم به نوعی به مشوش شدن آگاهی طبقاتی، طبقه کارگر منجر شده است. پیروزی دموکراسی بورژوائی بر استالینیزم، به ویژه با هدف متقاعد کردن طبقه کارگر است که هر تلاش انقلابی، هر تفکری در مورد تغییر این دنیای وارونه محکوم به شکست است. بورژوازی کمپین گسترده ضد کمونیستی خود را با "مرگ کمونیسم" شروع کرد؛ کمونیسم نیست که مرده است، بلکه سرمایه داری است که در بحران مرگ خود فرو رفته است.

سرمایه داری بوی خون، کثافت و لجن میدهد. سرمایه داری یعنی بحران، جنگ و بدبختی. سرمایه داری در یکی از عمیق ترین بحرانهای تاریخی خود فرو رفته است و بهای آنرا طبقه کارگر می پردازد. اقتصاددانان و ایدئولوگهای بازار آزاد اگر زمانی از ترم "رکود اقتصادی" برای

بحرانهای سرمایه داری استفاده میکردند ، امروز خود به ورشکستگی سرمایه داری اعتراف میکنند.

بورژوازی سعی در تکه تکه کردن طبقه کارگر با هدف درهم شکستن اتحاد طبقاتی آنان دارد، تا پرولتاریا را بهتر و راحت تر استثمار کند. کارگران بومی علیه کارگران "مهاجر"، سیاه علیه سفید، آسیایی ها در مقابل اروپایی ها، اسپانیایی ها در برابر آمریکایی ها و غیره. اما در مقابل این، و هر چه رنگ پوست ما باشد یا به چه زبانی صحبت کنیم، ما یک ویژگی مشترک داریم و آن اینکه به طبقه کارگر تعلق داریم و ملت برای ما بیگانه است. بنابراین ، با صدای بلند اعلام می کنیم، **طبقه علیه طبقه**. انترناسیونالیست ها قبلا هم اعلام کرده اند که "طبقه کارگر طبقه ای از مهاجران است"<sup>iii</sup>.

چپها به حق اعتصاب، حق تشکیل اتحادیه، توقف خصوصی سازی و غیره تاکید میکنند اما وظیفه اصلی اتحادیه ها کنترل طبقه کارگر و انحراف دادن مبارزه طبقاتی آنان است. بر خلاف موعظه چپها ما باید خودمان را بعنوان یک نیروی اجتماعی مستقل استوار کنیم که برای منافع طبقاتی خودمان می جنگیم و شعار ما باید بر علیه بردگی مزدی، استثمار، بیکاری، اخراج سازیها، تورم باشد، به عبارت دیگر باید بنیانهای سرمایه داری را نشانه گیری کند.

مسئولیت انقلابی انترناسیونالیستها شرکت در مبارزه طبقاتی و کمک به ساختن سازمان انقلابی با هدف شرکت در ساختن حزب کمونیست انترناسیونالیست، همچون یک سلاح ضروری برای پیروزی انقلاب کمونیستی است.

طبقه کارگر تنها طبقه اجتماعی است که می تواند به بربریت سرمایه داری، به بدبختی و فلاکت پایان دهد. تا به حال، هیچ طبقه اجتماعی چنین مسئولیتی که امروز پرولتاریا به عهده دارد، عهده دار نبوده است. بیش از هر زمان دیگری طبقه کارگر از طریق مبارزه طبقاتی اش آینده بشریت را در دستهای خود دارد. تنها یک راه حل وجود دارد انهدام نظام سرمایه داری قبل از آنکه بشریت را از بین ببرد. این آلترناتیو را که کمونیستها قبلا پیشنهاد کرده بودند بیش از هر زمان دیگری معتبر است:

**"انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت!"**

**صدای انترناسیونالیستی**

اول اردیبهشت ۱۳۸۹

---

لبرای اطلاع بیشتر از مبارزات پر شکوه کارگران تکل ، مطالعه پیوند زیرین را توصیه می کنیم

[Solidarity with Tekel workers' resistance against government and unions!](http://www.internationalism.org/wr/300/a-class-of-immigrants)

آمارکس – خانواده مقدس – فصل چهار

<sup>iii</sup> <http://en.internationalism.org/wr/300/a-class-of-immigrants>